

نقش نخبگان دینی در نگهداشت جامعه عصر غیبت از انحرافات عقیدتی بر پایه اندیشه‌های آیت الله صافی گلپایگانی

فاطمه رئوفی تبار^۱

مریم باوی^۲

چکیده

«انحرافات عقیدتی»، به معنای عدول از اعتقادات صحیح به سوی التقاط و کج‌اندیشی است که کنترل و در دست‌گیری آن، در طی اعصار تاریخی، بر عهده پیشوایی معصوم بوده است و در عصر غیبت به واسطه دوری جامعه از امام، شکلی متفاوت به خود می‌گیرد. از این رو، نخبگان دینی در این برهه، نقشی مؤثر بر دفع آفات عقیدتی دارند. این نوشتار با روش «تحلیلی-توصیفی» و باهدف بررسی نقش نخبگان دینی در نگهداشت جامعه عصر غیبت از انحرافات عقیدتی شکل‌گرفته و محور کار خود را بر پایه اندیشه‌های مهدوی آیت الله صافی گلپایگانی قرار داده است. بر اساس آن، انحراف در عصر غیبت، سه صورت دارد:

۱. اختلالات روحی وابسته به خود شخص؛ ۲. فتنه دشمنان؛ ۳. سوالات و شبهات داخلی جامعه. در این زمینه دو کنش «تبیین» و «دفاع» در آثار آیت الله صافی گلپایگانی قابل مشاهده است که متناسب با وظایف و توانمندی‌های گروه‌های نخبگانی، شکل مختلفی می‌پذیرد و در قالب تبیین و دفاع علمی-فرهنگی، قضایی، نظامی و سیاسی رخ می‌نماید.

واژگان کلیدی: نخبگان و کنش‌گری فعال، انحرافات عقیدتی، عصر غیبت، آیت الله صافی گلپایگانی، مهدویت و انتظار.

۱. مدرس حوزه و دانشگاه، دکترای کلام اسلامی، دانشگاه قم fmrt.1371@gmail.com

۲. سطح ۳ رشته تاریخ اسلام، مرکز آموزش‌های غیرحضوری حوزه‌های علمیه خواران Mbmng@gmail.com

مقدمه

«انحرافات عقیدتی»، به معنای بیراهه‌هایی است که در کنار مسیر اصلی هدایت و تفکر اسلامی قرار گرفته و زمینه‌ساز گمراهی و کج‌روی ره‌پویان می‌گردد. انحرافات در عصر غیبت، به واسطه محروم ماندن جامعه از ظهور امام، قالب‌ها و اشکال جدیدی به خود می‌گیرند: حیرت، هجوم شبهات، بازگشت از اعتقادات، از دست دادن تحمل و بردباری، شک و تردید در وجود امام و اصل دین و در نتیجه بازگشت از آن و ارتداد، روایت‌های دروغین و مواردی از این دست سبب می‌شود حفظ عقاید دینی در این عصر، از دوران حضور ائمه سخت‌تر باشد. در این مسیر، دغدغه‌مندان و پیروان آیین حق، وظایف و تکالیفی بر عهده دارند. وظایف و نقش‌ها را در این دوره می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: ۱. وظایف امام نسبت به این اوضاع؛ ۲. وظایف نخبگان جامعه؛ ۳. وظایف عامه مردم.

ضرورت پرداختن به نقش نخبگان در دفع انحرافات عقیدتی، از آن‌جا اهمیت می‌یابد که نخبگان، بخشی از مردم هستند که به واسطه تخصص، علم، تجربه و قدرت خود، توان مدیریت تفکر و راهبری عامه مردم را دارند. از این رو، می‌توان نقش مردم را نیز همسو با نقش نخبگان در جامعه دانست. در این میان، نخبگان دینی می‌توانند در مقابل انحرافات و کج‌راهه‌های مسیر مهدوی در عصر غیبت، گشایش ایجاد کنند.

یکی از نخبگان عصر غیبت که عمده آثار او به بحث‌های مهدوی اشاره دارد و در آثار ایشان مسئله انحرافات عصر غیبت و نقش نخبگان در آن، ملاحظه می‌شود؛ آیت الله العظمی صافی گلپایگانی است. از بررسی آثار مهدوی ایشان، دو عنصر مهم در پیشگیری و برخورد با انحرافات عصر پیش از ظهور به چشم می‌خورد: ۱. عنصر تبیین؛ ۲. عنصر پاسخگویی به شبهات.

هدف از نگارش این مقاله، بررسی نقش نخبگان دینی در نگهداشت جامعه عصر غیبت از انحرافات عقیدتی بر پایه اندیشه آیت الله صافی گلپایگانی است که با شیوه «توصیفی-تحلیلی» و با استفاده از «منابع کتابخانه‌ای» به نگارش در آمده است. پیش از این، هیچ اثری همسو یا همنام با نگارش حاضر به رشته تحریر در نیامده و ایده این پژوهش، اول بار در ذهن نگارنده این اثر شکل گرفته است و اگرچه در بحث انحرافات عصر غیبت مقالاتی وجود دارد؛ به جهت تفاوت

عمده اهداف و محتوای آن آثار با اثر پیش رو، از پرداختن به آن‌ها که موجب تطویل نوشتار می‌گردد، اجتناب می‌شود.

مفهوم شناسی

پیش از پرداختن به هر چیز، نخست لازم است مبادی تصویری و مفاهیم بحث تبیین گردد. اثر پیش رو، بر چند مفهوم و واژه اصلی، تمرکز دارد. از این رو، نخست به تبیین مفهوم ویژگی‌ها و شاخصه‌های هریک از واژگان پرداخته می‌شود:

۱. نخبگان دینی

برای شناخت هرچه بیش‌تر نخبگان دینی، لازم است تعریف لغوی، اصطلاحی و ویژگی‌های این گروه، تبیین شود:

۱-۱. مفهوم

«نخبگان»، جمع واژه نخبه است و در لغت به معنای برگزیده، زبده و گزیده، آمده^۱ و در اصطلاح علوم اجتماعی، ناظر به کسی است که بیش‌ترین کنترل و دسترسی را نسبت به ارزش‌ها دارد و در عرصه ارزش‌هایی چون قدرت، سیاست، ثروت، علم و دین، از سایر افراد جامعه، برتر قلمداد شده و مواضع و مناصب بلندمرتبه‌ای را در جامعه از آن خود کرده است.^۲

همان‌گونه که در تعریف آمد، نخبگان به تناسب ارزش‌هایی که در آن برجسته هستند، اقسام و انواعی دارند. بحث حاضر، نخبگان دینی است؛ یعنی کسانی که در دین، از تأثیر به‌سزایی در جامعه برخوردارند و مردم، بیش‌ترین تأثیر را از این افراد می‌گیرند. ائمه در مرتبه بالایی از سطح نخبگانی اجتماع قرار دارند که از سوی خداوند برای این مقام انتخاب شده و افزون بر مقبولیت مردمی، دارای مشروعیت هستند. با این حال، مقصود از نخبه دینی در بحث حاضر، آن دسته از افرادی هستند که در زمان غیبت امام، به عنوان شخص مقبول و مشروع اجتماعی، شناخته می‌شوند و به عبارتی دقیق‌تر، الگو و محل مراجعه مردم هستند.

۱ معین، فرهنگ فارسی، ج ۴، ص ۴۸۶.

۲ گولد، فرهنگ علوم اجتماعی، ص ۸۲۵.

«نخبه دینی»، به معنای کسی است که در امر دین و دین‌داری، منتخب و برجسته است و به نوعی، مرجع دینی سایر افراد جامعه به شمار می‌رود. در اندیشه شیعه امامیه، نخبه دینی، دارای ویژگی‌های خاص و منحصر به فردی است که او را سزاوار این مقام می‌سازد. بر اساس این تلقی، کسی می‌تواند منتخب دینی باشد که از لحاظ شناخت دین و عمل به آن، هم بتواند خود را به درجات و مقامات بلند دینی برساند و هم در این مسیر، دستگیر سایر افراد جامعه و مرجع دینی آن‌ها باشد. انتخاب چنین فردی از سوی مردم، ممکن نیست؛ چراکه تنها خداوند است که می‌تواند شخص شایسته را انتخاب کند و تنها اوست که می‌داند چه کسی در شناخت و عمل به دین از سایر افراد، برتر است. از این رو، انتخاب پیامبران و امامان به عنوان نخبگان جامعه و عصر خویش، امری از جانب خدا است و انتخاب مردم در آن نقشی ندارد. افزون بر آن، ارائه طریق و فکر بی‌خطا و منطبق با آموزه‌های الهی، تنها در صورتی ممکن است که پیامبر و امام به وصف عصمت متصف باشند. از این رو نیز تنها خداوند است که معصومان را می‌شناسد و شناخت این مسئله برای مردم ممکن نیست.^۱ بنابراین، مصداق اتمّ نخبه دینی در اجتماع، باید از سوی خدا انتخاب شود و دارای ویژگی‌هایی باشد که در مسیر دین و مرجعیت دینی به خطا، سهو، نسیان و اشتباه مبتلا نگردد. با این حال، پس از امام حسن عسکری (علیه السلام)، اوضاع خاصی بر جامعه دینی حاکم شد و آن، شروع عصر دوری و غیبت امام زمان بود. در این اوضاع و احوال، اگرچه امام معصوم وجود دارد؛ لکن از نظرها غایب است و بالتبع برخی از شؤون اجتماعی امام که نیازمند حضور امام است، معطل می‌ماند. از این رو، امام در عصر غیبت صغرا، نواب خاص و در عصر غیبت کبرا، نواب عام را به عنوان نماینده خود به مردم معرفی کردند. این افراد، اگرچه مصداق اتمّ و انسان کامل معصوم نبودند؛ نسبت به افراد جامعه و عصر خویش، نخبه و برگزیده به شمار می‌رفتند. با آغاز غیبت کبرا، مرجعیت دینی شیعیان از سوی حضرت ولی عصر (علیه السلام)، تحت عنوان «نیابت عامّه» در آمد؛ یعنی امام (علیه السلام)، ضابطه‌ای کلی که شامل صفات و مشخصات عام می‌شد، به دست مردم داد که در هر عصر، فرد شاخصی که آن ضابطه بر او صدق کند، نایب امام شناخته شود و چنین

۱. حلی، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۹۶.

شخصی نیابت از او، در امر دین و دنیا، داشته باشد و همو ولی و نخبه جامعه باشد. سخن این فرد، سخن امام و اطاعتش واجب و مخالفتش حرام خواهد بود:

در پیشامدهایی که برای شما رخ می‌دهد، باید به راویان اخبار ما [=فقها] رجوع کنید، ایشان حجت من بر شما هستند و من حجت خدایم.^۱

در روایات به ویژگی‌های فرد منتخب دینی در عصر غیبت پرداخته شده‌است. نمونه‌هایی از این اوصاف را می‌توان در موارد زیر به وضوح مشاهده کرد:

- امام حسن عسکری (علیه السلام) فرموده است:

«... و هر یک از فقها که بر نفس خود مسلط باشد و دین خود را حفظ کند و با هوای نفس

خود مخالفت ورزد و امر خدا را اطاعت کند؛ بر همگان واجب است که از او تقلید کنند.»^۲

- از امام صادق (علیه السلام) چنین نقل شده است:

... هرکدام از شما که حدیث ما را روایت کند و در حلال و حرام ما صاحب نظر باشد و احکام

ما را بداند؛ او را به حکومت برگزینید که من او را بر شما حاکم قرار دادم ...^۳

از مجموع آنچه بیان شد و ضمیمه آن با تعریف نخبگی، می‌توان علم به مسائل دینی (فقاہت) و مقاومت، پویایی و مسئولیت‌پذیری در برابر انحرافات را مهم‌ترین ویژگی نخبه دینی عصر غیبت دانست؛ هرچند به صراحت از این واژه یاد نشده است. این ویژگی‌ها اگرچه در عنوان نخبگی مشترکند؛ از مراتب و اشتداد برخوردارند. بالاترین و کامل‌ترین مرتبه آن در امام و پیامبر، پس از آن، در منتخبان ائمه و در درجه بعدی، در برگزیدگان دیگری وجود دارد که به نوعی، مرجعیت دینی جامعه اسلامی را بر عهده دارند و مردم از آن‌ها تبعیت می‌کنند. در زمان غیبت، امام به صورت شناخته شده در اجتماع حاضر نیست. بنابراین، مرتبه بعدی نخبگی، محل مراجعه خواهد بود.

۲. انحراف عقیدتی

انحراف عقیدتی نیز از دیگر واژگان مهم بحث است که نیازمند بررسی است:

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۳.

۲. طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۵۶.

۳. کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۴۱۲.

۲-۱. مفهوم

«انحراف» در لغت به معنی عدول کردن یا به طرفی مایل شدن، کج‌روی و کج‌اندیشی آمده است^۱ و در اصطلاح، بسته به متعلق خود، دارای معانی متعددی است. از آن‌جا که بحث حاضر در مورد انحراف عقیدتی است؛ اصطلاح انحراف دینی و عقیدتی، مورد بررسی قرار می‌گیرد. از دیدگاه دینی، مخالفت با دستورهای الهی، انحراف نام دارد که با اصطلاح «گناه» یا «معصیت» از آن تعبیر می‌شود. در ظاهر به نظر می‌رسد معیار انحراف دینی، تکالیف الهی باشد؛ اما تکالیف، همیشه به کمال انسانی ناظرند و در حقیقت، معیار ارزیابی، کمال حقیقی انسان است که با اصطلاح قرآنی «عبودیت»، شناخته می‌شود.^۲ انحراف دینی نیز بنا بر جایگاه و سرمنشأ انحراف و نقطه بروز و ظهور آن، در دو دسته قرار می‌گیرد: ۱. انحراف در اندیشه و باور (کج‌اندیشی)؛ ۲. انحراف در عمل و رفتار (کج‌روی). بنابراین، ناظر به معنای لغوی باید گفت، انحراف، میل از استقامت و راه مستقیم به جهتی خاص است که سبب سقوط و گمراهی می‌شود.

۲-۲. عوامل انحراف

برای دریافت معیاری دقیق و بی‌نقص از عوامل انحراف، نخست باید مسیر مستقیم و اصلی را شناخت. مسیر اصلی در اعتقادات مسلمان، حرکت بر اساس دستورهای قرآن و سنت پیامبر و ائمه معصوم است. بنابراین، شناخت انحراف و عوامل آن تنها از همین طریق ممکن است. قرآن کریم، عوامل متعددی را سبب انحراف عقیده و عملکرد معرفی کرده است که به طور کلی می‌توان، این عوامل را در دو دسته جای داد:

۲-۲-۱. عوامل وابسته به شخص

مقصود از عوامل وابسته به شخص، مجموعه‌ای است از ویژگی‌های انسانی و شخصیتی که از درون، فرد را به سمت انحراف سوق می‌دهد. قرآن کریم، چند عامل درونی را در انسان، زمینه‌ساز انحراف می‌داند:

۱. راغب، مفردات الفاظ قرآن، ج ۱، ص ۴۷۱.

۲. ذاریات: ۵۶.

الف) **اختیار**: عنصر اراده، اختیار و انتخاب آزاد از جمله عوامل انحراف است. انسان، می‌تواند با تفکر و اراده خود، مسیرهای مختلف را شناسایی کند و بهترین آن‌ها را برگزیند. انتخاب انحراف، یکی از عوامل مهم در انحراف عقیده و عملکرد است.^۱

ب) **مقهور شدن در برابر امیال و کشش‌های نفسانی**: در درون انسان، غرایز و کشش‌هایی وجود دارد که او را به سمت انحراف دعوت می‌کند. این البته به معنای دست بسته بودن و ناتوانی انسان در کنترل خواست این غرایز نیست. این کشش‌ها گاه، مادی و حیوانی و گاه، گرایش‌های متعالی به انحراف کشیده شده و دنیا طلبانه است.^۲

ج) **ضعف شخصیت و فقدان هویت**: خروج انسان از دایره اخلاق و دین، سبب شکل‌گیری ملکاتی رفتاری در او می‌شود که خود، عامل انحراف و کج‌اندیشی می‌گردد. قرآن در موارد متعددی از این ناهنجاری‌های اخلاقی، سخن به میان آورده و آن را سبب خروج و انحراف دانسته است؛ از آن جمله: خشم و ناراحتی،^۳ کینه و نفرت،^۴ عشق و شیفتگی،^۵ حسادت،^۶ خودکم‌بینی،^۷ گرایش به محسوسات و ملموسات^۸ و تقلید کورکورانه و بدون تحقیق.^۹

۲-۲-۲. عوامل درون اجتماعی

عوامل درون اجتماعی، به معنای زمینه‌ها و اسباب انحرافی است که در بستر جامعه وجود دارد. انحرافات جریان حاکم بر جامعه و به عبارتی حکومت‌ها، ناهنجاری‌ها^{۱۰} و فشارهای

۱. روم: ۴۱.

۲. ص: ۲۶.

۳. اعراف: ۱۵۰.

۴. مائده: ۲.

۵. یوسف: ۳۰.

۶. همان، ۸-۹.

۷. اعراف: ۱۳۸.

۸. نساء: ۱۵۳.

۹. زخرف: ۲۲.

۱۰. نور: ۹.

اجتماعی؛ همچون فقر،^۱ فرقه‌ها و گروه‌های فکری انحرافی^۲ همنشین و دوست‌های نامناسب،^۳ خرده‌فرهنگ‌های غلط و خرافات؛^۴ از جمله عوامل موجود در جامعه است که در انحراف فرد، تأثیر گذار است.

۳-۲-۲. عوامل خارج از اجتماع

عوامل مذکور در اموری چون احساس حقارت و خودباختگی در برابر داشته‌های دیگران،^۵ تلاش دشمنان در جهت ایجاد انحراف، مغالطات، دروغ افکنی و شبهه پراکنی،^۶ هم‌نشینی با کفار،^۷ پدیدار می‌شود که می‌تواند نقش بسیار مهمی در ایجاد انحراف عقیدتی ایفا کند.

۳. اقسام کنش‌نخبگان در برابر انحرافات

ابعاد مختلف تکالیفی که مؤمنان در عصر غیبت بر دوش دارند، از تکالیفی که در عصر ظهور دارند، کم‌تر نیست. مسئولیت منتظر حقیقی و به تبع آن، انتظار ظهور، مسئولیتی است که همه باید در اجرای آن سهیم و ساعی باشند.

عصر غیبت، عصر اقدام و عمل، عصر مسئولیت و مقاومت، پویایی و تحرک، بردباری و استقامت، شکیبایی و تحمل در امر دین است که این مهم، فقط با تلاش نخبگان جامعه بروز و ظهور پیدا خواهد کرد. همه در این برهه زمانی مسئولیت دارند و همه مسلمانان متعهدند برای حصول اهداف اسلام از هیچ کوششی دریغ نوزند و وظیفه نخبگان، در این عصر، بیش‌تر از وظیفه سایر افراد جامعه است؛ چرا که باید در مقابل جریان‌های ضد ارزش اسلامی موضع‌گیری به‌هنگام، منطقی و مؤثر داشته باشند.^۸

۱. همان، ۳۳
 ۲. نمل: ۳۴
 ۳. نساء: ۱۴۰
 ۴. اعراف: ۸۲
 ۵. بقره: ۴۹
 ۶. انعام: ۱۱۲
 ۷. نساء: ۱۴۰

۸. صافی، امامت و مهدویت، ج ۴، ص ۲۹۰ و ۳۰۳.

گام نخستِ نخبه دینی در برابر انحرافات عقیدتی، شناخت کافی انحراف و سپس، یافتن راهکار مناسب برای پیشگیری از بروز و اشاعه آن است. انحرافات در مجموع از دو طریق حاصل شده است:

۱. انحرافاتِی که در پی عدم شناخت و آگاهی، سردرگمی و غفلت است؛
 ۲. انحرافاتِی که با اهداف از پیش تعیین شده‌اند، مانند مقابله، مبارزه و نابودی تفکر صحیح، توسط دشمن تدارک دید شده و معلول شایعه، شبهات و دروغ پراکنی در جامعه است. واکنش نخبه یا نخبگان دینی باید بر اساس نوع انحراف و متناسب با آن باشد. از این رو، ناظر به انواع انحرافات پیش گفته، کنش‌های نخبگانی مورد بررسی قرار می‌گیرد:
- ### ۱-۳. کنش تبیین‌گری

اعتقادات، ارزش‌ها و باورها با آسیب‌ها و انحرافات متعددی روبه‌روست. آن دسته از انحرافاتِی که بر اساس ناآگاهی و بدون غرض‌ورزی، فرد یا جامعه را درگیر خود می‌کند؛ اغلب از طریق تبیین و توضیح اندیشه‌ها و باورهای صحیح توسط نخبگان قابل حل است. بنابراین، یکی از کلیدی‌ترین و بنیادی‌ترین کارهای نخبگان در جهت ارتقای سلامت فکری جامعه و جلوگیری از انحرافات عقیدتی؛ تبیین و توضیح مقصود و مراد اصلی باورها است.

در عصر ظهور، خرده‌ها و اندیشه‌ها به کمال می‌رسد و این کمال، امری نیست که دفعتاً پس از ظهور، در عقول مشاهده شود. بنابراین، نمی‌توان آن را ویژگی مختص زمان ظهور دانست، بلکه این امر به مرور زمان و از زمان غیبت، بروز و ظهور می‌یابد؛ چنان‌که مؤمنان حقیقی، واقعیت‌ها و حقایق را روشن‌گرانه و بدیهی درک می‌کنند و دنیا و مسائل روزمره، عالم را با چشمانی تیزبین و نگرشی عمیق مطالعه می‌کنند و در تبیین ارزش‌ها و بیان باورهای صحیح به دیگران پیشی می‌گیرند.^۱ مبارزه با کفر، عادات ناپسند و نکوهش شده، شبهات و القائات فکری؛ همه در پی انقلاب فکری در ذهن انسان آغاز می‌شود که منشا همگی، یک منبع فکری صحیح مانند نخبگان است تا

۱. صافی، عقیده نجات بخش، ص ۱۳.

بتوانند در این مسیر، اذهان مردم را روشن سازند و برای آن‌ها آزادی و تن به بردگی ندادن و عدم وابستگی به دشمن را تبیین کند تا در دام عقاید پلید دشمن نیفتند.^۱

در علم اعتقادات و کلام اسلامی نیز ابتدایی‌ترین و مهم‌ترین وظیفه متکلم، تبیین نظریات و دیدگاه‌های صحیح است^۲ که اگر در این مرحله دقت نظر کافی داشته باشیم، مسلماً، شبهات کم‌تری جامعه هدف را دچار آسیب و انحطاط می‌کند و در مواردی که جامعه با شبهات رو به رو شود، مقابله با آن، مشکل ساز نخواهد بود.

۲-۳. کنش دفاعی

اعتقادات و باورهایی که آماج انحرافات از سوی دشمنان داخلی و خارجی است و کنش تبیین، راهکاری کافی برای آن به نظر نمی‌رسد؛ نیازمند مقابله‌ای قوی‌تر و دفاعی مستحکم است. تفاوت تبیین، در نقد دشمن با دفاع آن است که تبیین تنها عهده‌دار روشنگری و بیان کلی خط فکر خود و طرز اندیشه دشمن است؛

اما دفاع، رصد دقیق حرکات دشمن و دفع حملات و دفاع همه‌جانبه متناسب با نوع حمله است. در علم کلام نیز یکی از وظایف متکلم، دفاع از آموزه‌ها و باورهای دینی بیان شده است.

«دفاع» در لغت از ماده «د، ف، ع» و به معنای ازاله و از بین بردن با تمام نیروست و در اصطلاح، مقصود از دفاع، آماده‌سازی و به کار بستن همه سرمایه‌های انسانی و امکانات معنوی و مادی به منظور پیشگیری و مقابله با تهدید و تهاجم دشمنان داخلی و خارجی است و اندیشه دفاعی، برآیند هرگونه تأمل و تفکر درباره امور دفاعی است.^۳

۴. عصر غیبت و شاخصه‌های آن در روایات

غیبت امام زمان، به دو دوره تقسیم می‌شود: ۱. غیبت صغرا که به تعبیر شیخ مفید از سال تولد حضرت (۲۵۵ق) آغاز شده و تا سال ۳۲۹ هجری، یعنی زمانی که آخرین نایب خاص حضرت، از دنیا رفت، ادامه داشت؛ ۲. غیبت کبرا، در ادامه غیبت صغرا، یعنی از زمان آخرین نایب خاص تا حال حاضر است که شیعیان، به طور کلی، ارتباط خود را با امام از دست دادند و امام، طی توقیعی به

۱. همان، ص ۱۴.

۲. لاهیجی، سرمایه ایمان در اصول اعتقادات، ج ۱، ص ۴۱.

۳. عبدالله خانی، تهدیدات امنیت ملی، ص ۱۴۹ و جمشیدی، مبانی و تاریخ اندیشه نظامی در جهان، ص ۲۹.

آخرین نایب خود، اعلام داشتند که غیبت طولانی آغاز شده است و کسی را به عنوان نایب پس از خود معرفی نکن.^۱

آنچه تحت عنوان عصر غیبت از آن یاد می‌شود، به دوره دوم غیبت، یعنی غیبت کبرا ناظر است. در روایات پیامبر و معصومان (علیهم‌السلام) از این دوره با خصایص و ویژگی‌هایی یاد شده است که در ادامه به نمونه‌هایی از آن‌ها پرداخته می‌شود:

۱-۴. ندیدن و نشناختن امام

بارزترین مشخصه این دوران، دیده نشدن یا شناخته نشدن امام (علیه‌السلام) است. جدایی ظاهری بین رهبر و مردم، سبب می‌شود که این دوران از سایر اعصار پیش از خود، امتیاز یابد.

۲-۴. انتقال مسئولیت از نواب خاص به نواب عام

پیش از غیبت صغرا، ارتباط مردم با امام از طریق نایبان مشخصی بود که نقش واسطه میان امام و مردم جامعه را داشتند. با آغاز غیبت کبرا، امام از آخرین نایب خواستند، شخص خاصی را به عنوان نایب پس از خود انتخاب نکند و با ارائه مشخصات و ویژگی‌هایی، نایبانی را به طور عمومی به جامعه معرفی کردند تا در حوادث پیش رو، به آن‌ها مراجعه شود. بر این اساس، امام با ارائه ضوابطی کلی، جامعه را دعوت کردند تا در طول زمان، هر فردی که ضوابط بر او منطبق بود، به عنوان نایب برگزیده شود و مرجع شیعیان در دوران غیبت امام باشد.^۲

۳-۴. گسترش ابتلائات و آشفته‌گی‌ها

اصل غیبت و دوری از امام، نوعی آزمایش مردم است. با این حال، تعبیر روایت، حاکی از آن است که دوران غیبت با امواج مختلفی از بلاها و ابتلائات همراه است: ترس، گرسنگی، بیماری، افزایش قیمت‌ها و... که همه این‌ها به نوعی، آزمایش و امتحان الهی است. امام صادق (علیه‌السلام) خطاب به محمد بن مسلم فرمود:

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۵۱۶.

۲. طبرسی، الاحجاج، ج ۲، ص ۴۷۰.

«پیش از قیام قائم علیه السلام، نشانه‌هایی است که خداوند آن‌ها را ظاهر خواهد ساخت.»
 محمد بن مسلم پرسید: آن‌ها چیست؟ امام فرمود: خداوند آن‌ها را چنین بیان فرموده
 است: ﴿وَلَتَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصِ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَ
 الثَّمَرَاتِ﴾^۱.

۴-۴. گسترش ظلم، ستم و فحشاء بر روی زمین

بر اساس روایاتی از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام؛ پیش از ظهور، ظلم و ستم، جهان را فرا می‌گیرد. امام
 علی علیه السلام می‌فرماید: «به راستی این زمین از ستم و بیداد پر خواهد شد؛ چنان که کسی جز در نهان
 به خداوند معتقد نباشد. سپس خداوند مردمان نیکوکار را می‌آورد که آن‌ها را از عدل و داد پر می‌کنند؛
 چنان که [قبل از آن] از ستم و بیداد پر شده بود.»^۲

۴-۵. هجوم شبهات و عدم ثبات ایمانی و بروز شک و تردید

در روایات، انواع متعددی از شبهات و تردیدها در زمان غیبت بیان شده است. این شبهات و
 تردیدها، گاه به وجود و حیات امام زمان و گاه به اصل دین و ایمان به خداوند ناظر است. امام
 صادق علیه السلام می‌فرماید: «... در ولادت قائم ما و غیبت او و طولانی شدن آن، مردم باایمان، گرفتار
 بلاها و مصیبت‌ها هستند و به سبب طولانی شدن دوران غیبت، در دل‌هایشان شک و تردید راه
 می‌یابد و بیش‌تر آن‌ها از دین‌شان برمی‌گردند.»^۳

۴-۶. ظهور و بروز مدعیان و دروغ‌گویان

به دلیل اقتضائات عصر غیبت، مدعیان زیادی طی این مدت، مدعی می‌شوند که حجت خدا و
 قائم هستند. همچنین عده‌ای برای ظهور، زمان تعیین می‌کنند و از این‌رو، مدعیاتی دارند.
 ائمه علیهم السلام امر ظهور را به خدا وابسته دانسته و هر کس را که درباره آن به‌طور مشخص، مدعیاتی
 داشته باشد؛ دروغ‌گو خوانده‌اند.^۴

۱. اربلی، کشف الغمّة فی معرفة الاثمة، ص ۲۵۰.

۲. طوسی، الامالی، ص ۳۸۲.

۳. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۵۲.

۴. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۶۸.

بر اساس روایات و شاخصه‌هایی که برای عصر غیبت بیان شد؛ می‌توان انحرافات این عصر را به دو شکل کلی دانست:

۱. انحرافات شکل‌گرفته بر اثر ویژگی‌های خاص فردی؛ همچون ضعف ایمان و درونی نشدن باورهای دینی.

۲. انحرافات شکل‌گرفته از سوی عوامل خارجی؛ این عوامل گاه از درون جامعه نشئت‌گرفته است؛ همچون التقاط و اختلاط باورهای صحیح و غلط و نیز ادعای مدعیان و دروغ‌گویان و گاه از بیرون جامعه اسلامی و بر اساس توطئه‌های دشمنان شکل می‌گیرد؛ مانند شبهات و تردیدهایی که بر اعتقادات شیعه وارد می‌شود. هر یک از این انحرافات به پاسخی درخور و متناسب نیازمند است.

۵. کنش‌های نخبگان در مقابله با انحرافات عصر غیبت

واکنش صحیح و متناسب در برابر انحرافات شکل‌گرفته در عصر غیبت، نیازمند شناخت همه‌جانبه انحراف و منشأ آن‌ها است. آن دسته از انحرافات که در ذات خود فرد ریشه دارد؛ همچون افسردگی، وسواس، کمبود اعتمادبه‌نفس، خودکم‌بینی، نادیده گرفتن داشته‌ها و دستاوردهای خود و خودی‌ها، ناامیدی، مقاومت در برابر دانستن و غوطه ور شدن در جهل، از جمله اموری هستند که تابع خواست و اراده خود فرد می‌باشند و تا فرد برای درمان و از بین بردن مشکلات خود، اراده‌ای نداشته باشد و درصدد حل آن برنیاید، کنش‌های تبیینی و دفاعی بر او تأثیر موقتی خواهد داشت یا به‌هیچ‌عنوان اثربخش نخواهد بود؛ چراکه اصل و ریشه مشکل، همچنان باقی است و همواره، ندایی در درون فرد، او را نسبت به پذیرش حق، دچار تردید می‌کند. از این رو، بهترین مرجع برای پاسخ‌گویی به این مسئله، علم روان‌شناسی و مشاوره است.

قسم دیگری از انحرافات عصر غیبت، بیرون از خود انسان و متأثر از عوامل و فتنه دشمنان داخلی و خارج از جامعه است. نخبگان دینی، به‌عنوان یکی از مؤثرترین عنصرهای جامعه عصر غیبت می‌توانند به‌عنوان پیشوایان و پیشگامان عموم مردم به تبیین و دفاع از حقیقت بپردازند. بنابراین، بایسته است با توجه به عرصه‌های مختلف فعالیت نخبگان، به نقش آنان در کنترل انحرافات پرداخت:

۵-۱. نخبگان دینی در عرصه علم

در طول تاریخ، همواره میان جبهه حق و باطل، تنش و تقابل بوده است. بر اساس آیات قرآن کریم، آنچه در این میان، به شکست محکوم است، جبهه باطل است؛ با این حال، این جبهه هر بار با ترفند و عناوینی مختلف ظهور پیدا می‌کند و به تحریف و انحراف دست می‌زند.

آیت الله صافی معتقد است، حرکاتی با این خط و مشی‌ها در مراکز و دانشگاه‌ها شروع شده‌اند که بنا دارند با الفاظ انحرافی و فریبنده، افراد کم اطلاع را بفریبند؛ از این رو، دانشگاه‌ها از ثغور و مرزهایی است که باید مرزبانانی از اعتقادات جوانان و دانشجویان محافظت کنند. علما و روحانیان، به عنوان سدی مستحکم و نفوذناپذیر می‌توانند در برابر حربه‌های دشمنان به پا خیزند و از کیان دین دفاع کنند، به این دلیل که مخالفان و دشمنان سخت مشغولند تا با تلاش شبانه روزی و صرف هزینه‌های میلیاردی به اهداف از پیش تعیین شده خویش نایل شوند. رسالت روحانیت به عنوان نخبه دینی در جامعه این است که با تبلیغ مکتب اسلام، مانع ترویج فرقه‌های انحرافی شود و نقشه‌های مخالفان را سرکوب کند.^۱

بنابراین، جلوگیری از انحرافات در جوامع علمی بر عهده پیشگامان و نخبگان علمی است که با شناسایی دقیق موارد انحراف در تخصص خود به مقابله با آن بپردازند.

پیشگامی نخبگان علمی در زمینه انحرافات عقیدتی از چند طریق، ممکن و موثر است. آیت الله صافی، مجیز شدن به سلاح بصیرت و آگاهی، دفاع از آرمان‌های دین و مذهب با دو بال اتحاد و اثبات، کوشش در زمینه رفع مشکلات، سختی‌ها و کمبودهای برادران دینی، معرفی شاخصه‌های جامعه مهدوی و ویژگی‌های دولت کریمه به عالمیان در پی درماندگی جوامع از ستم‌ها و جنایات،^۲ مجیز شدن به سلاح علم و دانش و تلاش به منظور عدم سلطه بیگانگان بر کشور و عدم وابستگی کشور به بیگانگان^۳، مقابله با تهاجم رسانه‌ای از طریق حفظ استقلال، شخصیت دینی، افتخار به هویت مذهبی، ثبات و استقامت بر سنت‌های اسلامی و اجتناب از وقوع در جاهلیت ثانیه و

۱. ر.ک: صافی، امامت و مهدویت، ج ۳، ص ۳۸۳.

۲. همان، ج ۴، ص ۴۰۰.

۳. صافی، بیانات در جمع دانشجویان.

گرایش‌های انحرافی فکری و عملی^۱ را از جمله فضاهای نیازمند به حضور نخبگان برای تبیین و روشن‌نگری می‌دانند.

۳-۵. نخبگان دینی در عرصه نظامی

حفظ باورها و اعتقادات، به محیط امن و دور از هرگونه تهدید یا تخریب نیازمند است. نخبگان نیروهای مسلح، مرزداران حریم کشور در مقابل دشمنان اند و از این رو، بایسته است در برابر هر برنامه‌ای که مخالف با احکام دینی و موازین شرعی است، به پا خیزند و دفاع کنند. به اعتقاد آیت الله صافی، اگر این گروه از نخبگان، به سلاح اعتقادی و مادی تجهیز شوند، در واقع اسلام را در برابر فتنه‌های دشمنان حفظ می‌کنند و موجب امنیت و آرامش حدود و مرزهای کشور می‌شوند.^۲ ایشان در جایگاه دیگری می‌فرماید:

عبادتی از این والاتر نیست که نیروهای مسلح، خود را جزء لشکر اسلام بدانند و لباس نظامی خویش را در جهت محافظت از حدود اسلامی بر تن کنند؛ زیرا اگر در مسیر اسلام و انقلاب باشند، می‌توانند نقشه‌های دشمن را خنثی و از کیان اسلامی دفاع نمایند تا خداوند هم در این مسیر آنان را یاری نموده و نصرت نماید.^۳

دشمنان دین در خارج از مرزهای کشور مشغول طراحی نقشه علیه کشور هستند. از این رو، لازم است مرعوب قوای مادی و معنوی نیروهای مسلح بشوند و باید به این مطلب پی ببرند که نیروهای نظامی کشور، به سلاح دین و تقوا، برای دفاع از حدود و ثغور میهن مجهز هستند: «باید قشون خود را مسلح کنیم، هم به سلاح‌های مادی و هم معنوی. باید بهترین و مجهزترین سلاح‌ها را داشته باشیم. قرآن می‌فرماید:

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ وَعَدُّوا لِلَّهِ وَعَدُّوْكُمْ﴾^۴.

۱. همان، امامت و مهدویت، ج ۳، ص ۴۳۱.

۲. همان، دیدار با پرسنل رسمی سپاه.

۳. همان، دیدارها و رهنمودها، ج ۲، ص ۲۹۰.

۴. انفال: ۶۰ و صافی، دیدار با نیروهای مسلح.

بنابراین، منتظر ظهور لازم است با آگاهی و بصیرت، حوادث اطراف و اکناف خود را مورد بررسی قرار دهد؛ زیرا عدم آگاهی و عدم واکنش صحیح در برابر جنایت‌های دیگر کشورها، چون آمریکا و صهیونیسم، شایسته منتظر نیست.

توصیه آیت الله صافی به نیروهای مسلح آن است که مرعوب تبلیغات مخرب و جریان‌های انحرافی دشمنان و مخالفان نشوند؛ چرا که این امور، موجب تزلزل روحیه و تخریب ثبات و استقامت‌شان در اجرای وظایف می‌گردد. اگر نیروی مسلح در اتخاذ مواضع خویش، مستحکم و با صلابت ظاهر شود، دشمن فرصت اجرای نقشه‌های خویش را پیدا نخواهد کرد.^۱

۴-۵. نخبگان دینی در عرصه سیاست و حکومت

عرصه سیاست و حکومت، از دیگر عرصه‌های موثر حضور نخبگان به منظور حفظ جامعه از انحرافات عقیدتی است. سیاست و حکومتی که خود، پایه گذار یا ادامه دهنده تفکرات منحرفان است، نمی‌تواند در جلوگیری از انحرافات جامعه نقشی داشته باشد. بشر همواره به این مسئله واقف بوده است که اجتماع و حتی یک خانواده با تعداد محدودی اگر بخواهند (با توجه به حقوق متقابل و بر اساس همکاری‌های سالم، سازنده و روابط متعادل) از آسایش برخوردار و دارای امنیت، نظم و رفاه باشند؛ به دو اصل عمده نیازمندند:

۱. قانونی جامع همراه با برنامه‌های مدون؛

۲. مدیریت قوی و کارآمد با نیروهایی زبده و مورد اعتماد.

بدیهی است که در صورت عدم مدیریت کارآمد و قاطع با نیروهای شایسته، رفاه و امنیت حاصل نمی‌شود.

به تعبیر آیت الله صافی، مدینه فاضله وقتی ظهور می‌یابد که افراد جامعه مانند اعضای یک بدن تحت مدیریتی کارآمد و عادل اداره گردد. بدیهی است که این امر میسر نیست، جز در سایه اشخاص کارآمدی چون نخبگان جامعه که آن‌ها را در این مسیر هدایت کنند.^۲ بنابراین، زمانی

۱. صافی، امامت و رهبری، ج ۴، ص ۲۹۰.

۲. همان، پیرامون معرفت امام، ص ۱۸.

می‌توان به جامعه‌ای دور از انحراف عقیدتی دست یافت که در سایه سار حکومت و سیاستی معتدل و غیر منحرف قرار گرفت.

نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه گذشت، به دست می‌آید:

«نخبگی و خبرگی دینی»، عنوانی اشتدادی و دارای مراتب است که در وسیع‌ترین مرتبه خود بر گروهی از مردم اطلاق می‌شود که به‌عنوان نماینده خدا بر روی زمین به هدایت مردم می‌پردازند و انتخاب آن‌ها نیز توسط خداوند و به‌واسطه ویژگی‌های خاصی چون عصمت و علم لدنی صورت گرفته است. پس از آن، افرادی که مورد تأیید این گروه هستند، «نخبه» و «خبره» نامیده می‌شوند و اگرچه همچون گروه نخست، واجد علم لدنی و عصمت نیستند؛ به‌تناسب، از امانت، تقوا و علم برخوردارند و در میان مردم عصر خویش در علوم دینی، صاحب‌نظر و متخصص به حساب می‌آیند. در عصر غیبت به دلیل وضعیت خاص حاکم بر جامعه و دوری از پیشوا و متخصص دینی در بالاترین مرتبه، مقابله با انحرافات دینی، بر عهده مرتبه بعدی از متخصصان و خبرگان قرار می‌گیرد و بر این گروه لازم است تا با شناسایی نوع انحراف و بررسی سایر عوامل مؤثر بر آن در هدایت جامعه تأثیر بگذارند.

به‌طورکلی، انحرافات در عصر غیبت می‌تواند ناشی از یکی از این امور باشد:

۱. ویژگی‌ها و اختلالات شخصیتی؛

۲. سؤالات و شبهات درون اجتماعی؛

۳. حملات و شبهات خارجی.

انحرافات قسم نخست موضوع این نوشتار نیست و به بررسی در فضای مشاوره و روان‌درمانی نیازمند است. انحرافات دسته دوم که عمدتاً از سوی دوستان و هم‌نظران شکل می‌گیرد، یا از عدم آگاهی افراد از یک اصل یا اعتقاد دینی، ناشی شده‌اند، نیازمند تبیین و روشن‌گری از سوی نخبگان و آگاهان دینی هستند؛ یعنی نخبه موظف است همه ابعاد مسئله را موشکافی کند و پس از آگاهی کامل به آن، پاسخگوی نیازها و سؤالات جامعه خود باشد. بخش دیگری از انحرافات از سوی دشمن داخلی یا خارجی به سوی جامعه روانه می‌شود و در دو قالب جنگ نرم و سخت، سبب

از کار افتادگی جامعه اسلامی می‌شود. مقابله نخبگان در این بخش، اگرچه می‌تواند با تبیین نیز همراه شود؛ اما نیازمند دفاعی سرسختانه و همه‌جانبه است؛ چراکه تبیین، به‌تنهایی برای دشمن غرض‌مند، بسنده نمی‌کند و بایسته است، حملات و آسیب‌های او بر جامعه نیز دفع شود. دو‌کنش مهم تبیین و دفاع، از جمله عناصری است که نخبه دینی در نگهداشت جامعه عصر غیبت از آن بهره می‌برد. این مسئله از بیانات و آثار مهدوی آیت‌الله صافی گلپایگانی، به‌عنوان یکی از خبرگان عصر غیبت قابل برداشت است. انحرافات عصر غیبت نیز به‌تناسب ویژگی‌های خود، نیازمند هر دو عنصر تبیین و دفاع است. راهکارهای پیشنهادی آیت‌الله صافی برای مقابله با انحرافات غیبت از طریق جامعه نخبگانی به‌قرار ذیل است:

۱. حفظ استقلال و ثبات و استقامت بر سنت‌های اسلامی؛
۲. خنثا کردن ترفندهای دشمنان و دفاع از آرمان‌های دینی؛
۳. رفع گرفتاری‌ها و حوایج برادران دینی؛
۴. حفظ هویت دینی و محکوم کردن برنامه‌های غیر اسلامی؛
۵. معرفی شاخصه‌های جامعه مهدوی و دولت کریمه مهدوی؛
۶. احیای امر امام و اصلاح امور مردم و ابلاغ احکام به مسلمانان و ارشاد آن‌ها؛
۷. همبستگی و هماهنگی علم و عمل در جامعه اسلامی؛
۸. مجهز کردن نسل جوان به سلاح مادی و معنوی و ایجاد ترس و دلهره در دل دشمن؛
۹. همکاری اصناف و روحانیت به منظور حفظ هویت دینی؛
۱۰. اجرای عدالت توسط قضات؛
۱۱. برقراری قانون و نظم عمومی توسط حاکمیت اسلامی.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، بنی هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱.
۲. جمشیدی، محمدحسین، مبانی و تاریخ اندیشه نظامی در جهان، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۳.
۳. حلی، حسن بن یوسف، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، موسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۳۵ق.
۴. حلی، حسن بن یوسف، نهج الحق و کشف الصدق، دارالکتب اللبنانی، بیروت، ۱۹۸۲.
۵. خانی، علی، تهدیدات امنیت ملی، ابرار معاصر، تهران، ۱۳۷۶.
۶. صافی گلپایگانی، لطف الله، دیدارها و رهنمودها، دفتر تنظیم و نشر آثار آیت الله صافی گلپایگانی، قم، ۱۳۹۵.
۷. _____، دیدارها و رهنمودها، دفتر تنظیم و نشر آثار آیت الله صافی گلپایگانی، قم، ۱۳۹۵.
۸. _____، امامت و مهدویت، ج ۳، دفتر تنظیم و نشر آثار آیت الله صافی گلپایگانی، قم، ۱۳۹۵.
۹. _____، امامت و مهدویت، ج ۴، دفتر تنظیم و نشر آثار آیت الله صافی گلپایگانی، قم، ۱۳۹۷.
۱۰. _____، عقیده نجات بخش، دفتر تنظیم و نشر آثار آیت الله صافی گلپایگانی، قم، ۱۳۹۲.
۱۱. _____، پیرامون معرفت امام، دفتر تنظیم و نشر آثار آیت الله صافی گلپایگانی، قم، ۱۳۹۳.
۱۲. _____، دیدار با دانشجویان، ۱۳۸۷/۸/۱۶.
۱۳. _____، دیدار با کارآموزان قوه قضائیه، ۱۳۸۷/۱۱/۱۴.
۱۴. _____، دیدار با پرسنل سپاه، ۸۷/۸/۱۹.
۱۵. _____، دیدار با نیروهای مسلح، ۱۳۸۷/۸/۲۰.
۱۶. راغب، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، دارالشامیه، بیروت، ۱۴۱۲ق.
۱۷. صدوق، محمد، کمال الدین و تمام النعمه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۵.

۱۸. طبرسی، احمد، **الاحتجاج**، نشرالمرتضى، مشهد، ۱۴۰۳ق.
۱۹. طوسی، محمدبن حسن، **الاقتصاد فيما يتعلق بالاعتقاد**، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۹۶ق.
۲۰. _____، **الامالی**، دارالثقافه، قم، ۱۴۱۴ق.
۲۱. کلینی، محمدبن یعقوب، **الكافی**، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۳.
۲۲. گولد، جولیوس، کولب، ویلیام، **فرهنگ علوم اجتماعی**، مترجم: باقر پرهام، مازیار، تهران، ۱۳۷۶.
۲۳. لاهیجی، عبدالرزاق، **سرمایه ایمان در اصول اعتقادات**، انتشارات الزهراء (عج)، قم، ۱۳۷۲.
۲۴. _____، **شوارق الالهام فی شرح تجرید الکلام**، موسسه امام صادق (ع)، قم، ۱۴۲۹.
۲۵. معین، محمد، **فرهنگ فارسی**، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۵.